



على الكارشناس¹

١. أستاذ في المستويات العليا في حوزة قم وعضو الدورة الطويلة لمجمع «محمدية» العالي لتعليم

المجتهد المدير وأستاذ مساعد في قسم الفقه والقانون في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام للبحوث
abdel@chmail.ir

نوع المقال:
دراسة بحثية



مواعيد المادة:

تاريخ الاستلام: 2025/01/11

تاريخ المراجعة: 2025/02/10

تاريخ القبول: 2025/03/16

تاريخ النشر: 2025/04/25



الكلمة الرئيسية:

سلوك الحكماء،
التوقيع، إرشاد الجاهلين،
الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر،
التغلب على القصد،
دفع المنكر.

خلاصة

ومن الأدلة المهمة في استنباط الأحكام، وخاصة في المسائل المستجدة، سلوك العقلاء، ومن الأدلة التي تكشف عن توقيع الشارع على سلوك العقلاء: سبب وجوب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، ووجوب دفع الشر عن الأجيال القادمة، ووجوب هداية الجاهلين ونشر الشريعة، وتحويل عكس القصد. الأسباب الثلاثة الأولى أسباب دينية، والسبب الرابع أسباب عقلانية. يحاول هذا البحث تفسير وإيضاح هذه الأدلة الأربعة، وإظهار انتقادات جديدة بشأن كشفها لتوقيع الشارع على سلوك الحكماء، ودراسة مدى صحة هذه الأدلة بشأن سلوك المعصوم المعاصر. (عليه السلام) أو السلوك الجديد. فإنه قد يزعم أن عدم ردع المشرع في صورة "أمر خارجي" يدل على توقيع الشخصية العقلانية المعاصرة للمشرع، لا أكثر من ذلك، ولا يمكن أن يستنتج منه التوقيع المطلق للشخصية العقلانية. شخصية في شكل "قضية حقيقية" من قبل المشرع. لأن هنا لا يعتمد على اللفظ والدلالة اللفظية في فهم نشوء القضية الحقيقية، بل يعتمد الاستدلال على سكوت الشارع وبيانه وعدم رده، مما يدل بوضوح على توقيع السيرة فقط. "كحالة خارجية" بالإضافة إلى ذلك فإن منهج البحث وصفي تحليلي بمنظور نقدي جديد ومنظور لأسباب اكتشاف توقيع المشرع على سلوك الحكماء، وتوصل البحث إلى أن هذه الأسباب غير قادرة على إثبات اكتشاف توقيع المشرع على سلوك الحكماء. توقيع المشرع على سلوك الحكماء.



علی کارشناس^۱

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و عضو دوره بلند مدت مجتمع عالی تربیت مجتهد مدیر محمدیه

abdel1@chmail.ir

و استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشگاه امام صادق علیه السلام

نوع مقاله:

پژوهشی



تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵



کلیدواژه:

سیره عقلا،

امضا،

ارشاد جاهل،

امر به معروف و نهی از منکر،

نقض غرض،

دفع منکر.

چکیده

یکی از ادله مهم در استنباط احکام به ویژه در مسائل مستحدثه، سیره عقلا است. از جمله ادله کاشف از امضای شارع نسبت به سیره عقلا، دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب دفع منکر از نسل‌های آینده، وجوب ارشاد جاهل و تبلیغ شریعت و استحاله نقض غرض است؛ سه دلیل اول دلیلی شرعی هستند و دلیل چهارم دلیل عقلی است؛ این پژوهش می‌کوشد ضمن توضیح و تبیین این ادله اربعه، به بیان نقدهای نو نسبت به کاشفیت آن‌ها از امضای شارع نسبت به سیره عقلا اهتمام ورزد و پیرامون دایره حجیت این ادله درباره سیره‌های معاصر معصوم علیه السلام و یا سیره‌های مستحدثه به مذاقه پردازد. چرا که ممکن است ادعا شود عدم ردع شارع به صورت «قضیه خارجی» بر امضای سیره عقلایی معاصر شارع دلالت دارد، نه بیش از آن و نمی‌توان از آن امضای مطلق سیره عقلایی به صورت «قضیه حقیقیه» را به وسیله شارع استنتاج کرد. زیرا در اینجا به کلام و دلالت لفظی استناد نشده تا از آن ظهور در قضیه حقیقیه را فهمید، بلکه استدلال به سکوت و تقریر و عدم ردع شارع است که، به روشنی، تنها دلالت بر امضای سیره بصورت «قضیه خارجی» دارد؛ در ضمن روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی با صبغه و نگاه انتقادی نو به دلایل استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا است و یافته پژوهش آن است که این دلایل یارای اثبات استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا را ندارد.

مقدمه

پیشینه‌ی استدلال به بنای عقلاء در اصولیان شیعه به زمانه شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) بازمی‌گردد. وی در قرن چهارم هجری در کتاب التذکره بأصول الفقه در مواردی به سیره عقلاء استناد کرده است؛ به اعتقاد وی سیره عقلاء بر آن است که معنای ظاهری را مورد توجه قرار دهند و ظواهر را حجت بدانند». (مفید، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۳) در دوره‌های بعد اصولیان دیگری نیز به بنای عقلاء تمسک جسته‌اند. از جمله محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) در کتاب معارج الاصول در باب دلالت صیغه امر بر وجوب (حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۴) و علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) نیز در باب دلالت امر بر وجوب به بنای عقلاء استناد کرده است (حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۲) از مجموعه نظریات اصولیان شیعه چنین برداشت می‌شود سیره عقلاء در استنباط بسیاری از احکام فقه مورد استناد قرار می‌گیرد. با وجود پژوهش‌های گوناگون درباره سیره عقلاء، هر چند پیرامون موضوع تحقیق مقالات فراوانی نشر یافته است ولی هیچ یک به طور نظام‌مند به مسأله ارائه شده در عنوان تحقیق آن هم با ارائه نقد و استدلال جدید نپرداخته‌اند.

مفاهیم و چهارچوب نظری پژوهش

۱. مفاهیم:

۱. سیره عقلاء: روش، توافق و بنای عملی عقلاء در خارج بر انجام یا ترک چیزی را گویند، که منشأ آن طبیعت، عادت، سلیقه و آداب و رسوم و... باشد (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۱۰)
۲. امضا: تأیید و تقریر سیره عقلاء با جعل حکم مماثل یا مناسب سیره توسط شارع مقدس امضا نام دارد (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۱۱)
۳. حجیت: صحت احتجاج به سیره و مستند قرار دادن آن توسط شارع و مکلف، حجیت نام دارد (همان: ۱۲)

ب. چهارچوب نظری

درباره حجیت بنا و سیره عقلاء چهار مبنا وجود دارد:

۱. نظریه صحت و ارزش ذاتی مطلق سیره‌های عقلائیه: بر اساس این نظریه مطلق سیره‌های عقلائیه- اعم از سیره عامه و سیره خاصه عقلاء-، دارای ارزش و اعتبار ذاتی هستند و نیازی به امضا و احراز عدم ردع شارع مقدس ندارد؛ چرا که وقتی عقلاء با وجود اختلاف سلیقه و عملکرد، در امری اتفاق عملی داشته باشند، بر حسب حساب

احتمالات، خطا و اشتباه آنان عادتاً محال است و خطا در آن راه ندارد. همچنین اتفاق عملی عقلا با وجود اختلاف سلیق و عقایدشان، نشانگر ناشی شدن این اتفاق عملی از سبب و دلیلی معتبر مانند ارتکاز عام عقلایی یا حکم عقل و یا تعالیم انبیا است؛ از این رو، سیره عقلا دارای ارزش ذاتی است (طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۲۰۵).

۲. نظریه تفصیل در اعتبار ذاتی سیره های عقلائیه بین سیره عامه و سیره خاصه: بر اساس این نظریه تنها سیره عامه عقلا که در همه عصرها و نسلها و شهرها جریان دارد، دارای اعتبار ذاتی است و نیازی به امضا و احراز عدم ردع شارع مقدس ندارد؛ اما سیره خاصه عقلا که مربوط به مکان خاص یا زمان خاص یا منطقه خاص و یا قوم خاص و ... است؛ از حجیت و اعتبار ذاتی برخوردار نیست (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۲۸؛ نائینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۵۶).

از میان نظرات فوق، نظر مقبول نگارنده، «تفصیل در اعتبار ذاتی سیره های عقلائیه میان سیره عامه و سیره خاصه» است؛ چرا که بر حسب حساب احتمالات، در سیره عامه عقلا، احتمال خطا و اشتباه راه ندارد.

تبيين و توضیح ادله استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا و نقد آن

دومین رکن برای تمامیت استدلال به سیره موافقت کاشف از امضای شارع است. می توان فرض کرد که مرتکبات عقلایی با توجه به نفوذ عمیقی که در افراد دارد و تبدیل آن به حالتی ناخودآگاه در مردم، منشا استقرار سیره عقلایی را شارع دانست و ناچار برای اثبات موافقت شارع با آن باید دو قضیه شرطی را به یاری گرفت:

اول: اگر شارع موافق مضمون این سیره نبود از متابعت آن نهی می کرد.

دوم: اگر شارع از متابعت آن نهی کرده بود، خبر آن به ما می رسید. و چون خبری از نهی به ما نرسیده است ردعی در کار نبوده است و طبق حکم قضیه شرطی اول، شارع موافق مضمون آن است. در این پژوهش ۴ دلیل از این دلایل استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا تبیین گردیده، آنگاه مورد نقد و بررسی قرار می گیرد:

تبيين و توضیح دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر، امضا و تأیید شارع مقدس نسبت به

سیره‌های عقلا، از ضمیمه کردن سکوت شارع نسبت به سیره عقلا و ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، کشف خواهد شد. چرا که اگر سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس باشد؛ ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، بر اساس ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، واجب است؛ از این رو، سکوت معصوم علیه السلام، در برابر سیره به معنای تأیید و رضایت وی نسبت به آن است (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۲)

در نقد این دلیل می‌توان گفت که وجوب امر به معروف و نهی از منکر، منوط به فراهم آمدن شرایطی همچون تنجز تکلیف و احتمال تأثیر است که این شرایط نسبت به سیره‌های عقلا فراهم نیست؛ زیرا احتمال دارد، مردم بر اساس غفلت بر اساس سیره‌های عقلاییه عمل نمایند و در نتیجه تکلیف بر آنان منجز نباشد؛ از سوی دیگر احتمال تأثیر از فرمایش معصوم علیه السلام، تنها در سیره‌های مخصوص شیعیان - و نه سیره مسلمانان و سایر عقلا - وجود دارد؛ از سوی دیگر، امکان دارد که سکوت معصوم علیه السلام، در برابر سیره عقلا به دلیل وجود مصلحت اهم همچون تقیه و یا اصل تدریجی بودن بیان احکام باشد؛ از این رو سکوت معصوم علیه السلام، کاشف از امضا و تأیید وی نیست (همان: ۳۳)

اصل دلیل در قالب قیاس استثنایی به این شرح است:

مقدمه اول: اگر سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس باشد؛ ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، بر اساس ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، واجب است.

مقدمه ثانی: لکن ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، بر اساس ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، (به دلیل سکوت معصوم علیه السلام در برابر سیره) واجب نیست.

نتیجه: پس سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس نیست.

نقد و بررسی

در این دلیل از نفی تالی، نفی مقدم استنتاج شده است؛ در حالی که مقدمه ثانی یعنی دلالت عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر از سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس توسط معصوم علیه السلام به دلیل سکوت معصوم علیه السلام، مبتلا به اشکال است؛ زیرا معصوم علیه السلام به هر نحو ولو با خبر واحد و حتی اکتفا به ردع واحد، ضرورت دارد که سیره فاسد را نفی نماید و در برابرش اعلام موضع نماید؛ از سوی دیگر ممکن است بسیاری از ردع‌های معصومان علیهم السلام نسبت

به سیره‌های عقلائیه، در اثر حوادثی چون آتش سوزی کتابخانه شیخ طوسی و سایر عوامل طبیعی از میان رفته باشد و به دست ما نرسیده باشد؛ از این رو، ادله حق الطاعة و المولوية اقتضا دارد که در برابر سیره‌های عقلا، طریقه‌ی احتیاط در پیش گرفته شود. از سوی دیگر، عدم اطلاق ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر به ترک مطلق آن می‌انجامد چرا که در هر زمان شخص می‌تواند به استناد به عدم تنجز تکلیف و یا وجود سایر مصالح مانند تقیه و ... به طور کلی امر به معروف و نهی از منکر را ترک نماید؛ که این امر با حکمت تشریح تقیه نیز منافات دارد چنان که در برخی روایات، حکمت وجوب تقیه یعنی حفظ دماء شیعیان بیان شده است؛ برای نمونه امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا جُعِلَتِ التَّقِيَّةُ لِيُحَقِّنَ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَ الدَّمُ فَلَيْسَ تَقِيَّةً؛ حُكْمُ تَقِيَّةٍ جِهَتِ حِفْظِ خُونِ (جلوگیری از مرگ) تشریح گردیده است. پس، اگر تقیه به مرز قتل رسید، دیگر تقیه جایز نیست» (برقی، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۲۵۹)

تبيين و توضیح دلیل وجوب دفع منکر از نسل‌های آینده

بر اساس این دلیل، امضا و تأیید شارع مقدس نسبت به سیره‌های عقلا، از ضمیمه کردن سکوت شارع نسبت به سیره عقلا و ادله‌ی وجوب دفع منکر، کشف خواهد شد. چرا که همان گونه که نهی از منکر محقق شده در خارج واجب است؛ دفع منکر و جلوگیری از تحقق منکر در آینده نیز واجب است؛ بدین بیان که اگر معصوم علیه السلام، می‌داند که در آینده ممکن است سیره عقلا بر امر حرام و منکری محقق می‌شود، باید از آن سیره ردع و نهی نماید، تا زمینه تحقق این سیره در آینده پیش نیاید. از این رو، سکوت معصوم علیه السلام، به ضمیمه ادله‌ی وجوب دفع منکر، به معنای تأیید و رضایت وی نسبت به سیره عقلایی است (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۴)

در نقد این دلیل می‌توان گفت که دلیلی بر وجوب دفع منکر وجود ندارد، بلکه آنچه در میان ادله موجود است، وجوب امر به معروف و نهی از منکر است؛ از این رو، وجوب دفع منکر منوط به فراهم آمدن شرایطی همچون تنجز تکلیف و احتمال تأثیر است که این شرایط نسبت به سیره‌های عقلا فراهم نیست؛ از سوی دیگر، امکان دارد سکوت معصوم علیه السلام، در برابر سیره عقلا به دلیل وجود مصلحت اهم باشد؛ از این رو سکوت معصوم علیه السلام، کاشف از امضا و تأیید وی نیست، از سوی دیگر، دلیلی بر اعمال علم غیب و اخبار از آینده نسبت به موضوعات خارجیه نداریم (همان: ۳۴-۳۵)

اصل دلیل در قالب قیاس استثنایی به این شرح است:

مقدمه اول: اگر در آینده سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس باشد؛ ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، بر اساس ادله‌ی وجوب دفع منکر، واجب است.

مقدمه ثانی: لکن ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، بر اساس ادله‌ی وجوب دفع منکر، (به دلیل سکوت معصوم علیه السلام در برابر سیره) واجب نیست.

نتیجه: پس سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس نیست.

نقد و بررسی

در این دلیل از نفی تالی، نفی مقدم استنتاج شده است؛ در حالی که مقدمه ثانی یعنی دلالت عدم وجوب دفع منکر نسبت به سیره عملی عقلا بر انجام منکر یا ترک مطلوب شارع مقدس توسط معصوم علیه السلام به دلیل سکوت معصوم علیه السلام، مبتلا به اشکال است؛ زیرا ادله وجوب دفع منکر، اطلاق دارد و فقدان اطلاق آن، به ترک مطلق دفع منکر می‌انجامد؛ همچنین معصوم علیه السلام بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی عصر خویش می‌تواند به هر نحو ممکن حتی با اکتفا به ردع واحد، دفع منکر نماید و در برابرش اعلام موضع نماید. همچنین از آنجا که امامان معصوم علیهم السلام بر همه بشریت در همه زمانها و مکانها امامت می‌کنند، در صورتی که از راه علم غیب از سیره‌های فاسد آگاه کردند، ردع از آنها واجب است؛ چنان که امامان معصوم علیهم السلام از سیره‌های فاسد آخرالزمان خبر داده‌اند و شیعیان خویش را از آنها برحذر داشته‌اند.

تبیین و توضیح دلیل وجوب ارشاد جاهل و تبلیغ شریعت

بر اساس این دلیل، وظیفه امام معصوم علیه السلام، ابلاغ شریعت و احکام اسلامی تا روز قیامت است؛ از این رو، اگر امام معصوم علیه السلام، اطلاع یابد که در آینده در جامعه اسلامی، سیره منکری پدیدار می‌گردد، بر او واجب است که از باب تبلیغ دین و ارشاد جاهل، نهی و ردع خود را به مردم برساند؛ تا چنین سیره‌ای محقق نگردد؛ حتی اگر روی آوردن مردم به این سیره به دلیل جهل و ناآگاهی و یا غفلت آنان باشد؛ چرا که سکوت معصوم علیه السلام نسبت به چنین سیره عقلایی، به ضمیمه ادله‌ی وجوب ارشاد جاهل و تبلیغ شریعت، کاشف از تأیید و رضایت معصوم علیه السلام نسبت به آن است (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۵)

اصل دلیل در قالب قیاس استثنایی به این شرح است:

مقدمه اول: اگر امام معصوم علیه السلام، اطلاع یابد که در آینده در جامعه اسلامی، سیره منکری

پدیدار می‌گردد، بر او واجب است که از باب وجوب تبلیغ دین و ارشاد جاهل، نهی و ردع خود را به مردم برساند.

مقدمه ثانی: لکن ردع از چنین سیره‌ای توسط معصوم علیه السلام، به دلیل سکوت معصوم علیه السلام در برابر سیره عقلا واجب نیست.

نتیجه: پس سیره عملی عقلا بر انجام منکر نیست.

در این قیاس استثنائی، از نفی تالی به نفی مقدم رسیده‌ایم و از این طریق، حجیت سیره عقلا را اثبات نمودهایم. این دلیل از سوی شیخ انصاری مطرح شده (الانصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۴۱) و توسط محقق یزدی (الطباطبایی الیزدی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۷)، محقق خوئی (الموسوی الخوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۸۱) و امام خمینی (ره) (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰۵) نقد گردیده است؛ به دلیل آن که همان ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر وجوب دفع منکر دلالت دارند؛ از این رو این دلیل، دلیلی مستقل به شمار نمی‌آید. (ر.ک. لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۴)

نقد و بررسی

از جمله دلایل عقلی وجوب ارشاد جاهل، حق مولی بر عبد در ممانعت از تحقق مبعوض مولی دانسته شده است؛ بر اساس این دلیل، عقلی عملی انسان، حکم می‌کند که وظیفه‌ی عبد در مقابل مولای حقیقی، جلوگیری از تحقق مبعوض او در خارج است. چه به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر و چه از راه‌های دیگر و این حق، منحصر در مواردی نیست که خطاب متوجه خود عبد باشد بلکه اگر خطاب متوجه دیگران نیز باشد، باز هم این حق وجود دارد و عقل می‌گوید باید برای رعایت حق مولا، از هر طریقی، از انجام محرم و ترک واجب دیگران نیز جلوگیری نمود (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۶) در نقد این دلیل گفته می‌شود که مبعوض مولی دو گونه است:

۱. گاهی نفس تحقق فعل، بدون در نظر گرفتن فاعل آن مبعوض مولاست؛ مانند هدم کعبه،

حفظ نفوس محترمه و ...

۲. گاهی تحقق فعل از مکلفی خاص مبعوض مولاست؛

در صورت دوم، عقل به لزوم دفع منکر، حکم نمی‌کند چرا که اصل تحقق مبعوض نیست بلکه تحقق آن از مکلف و شخصی خاص مورد غضب مولا واقع شده است.

از سوی دیگر، برخی از جمله صاحب مبانی منهاج الصالحین، قائل به عدم وجوب دفع منکر شده است؛ مرحوم سید تقی طباطبایی قمی وجود دلیلی عقلی و شرعی بر وجوب دفع از منکر را

منکر شده و در این باره می‌فرماید:

«لا دلیل علی وجوب دفع المنکر الا فی موارد خاصه کقتل النفس او هتک بعض الاعراض و امثالهما و اما وجوب دفع کل حرام فلا دلیل علیه. و النهی عن المنکر و ان کان واجبا مع اجتماع شرائطه لکن وجوبه لا یستلزم وجوب دفعه کما هو ظاهر فان کل واحد من الامرین یغایر الاخر موضوعا فلا وجه لقیاس احد الامرین علی الاخر» (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۷: ۲۱۸)

بنابراین وجوب منع و دفع از منکر، مشروط به قیام حجت بر منکر بودن یا ترک واجب بودن فعل است.

از سوی دیگر، شرط دفع منکر، تنجز تکلیف است؛ در حالی که تنجز تکلیف بر معصوم علیه السلام نسبت به دفع منکر از نسل‌های آینده مشخص نیست؛ زیرا در هر عصر، امام معصوم علیه السلام در همان عصر، مبین احکام و دافع منکر از شیعیان خواهد بود. همچنین اگر مرتکب حرام یا تارک واجب، عذر شرعی یا عقلی داشته باشد، دفع منکر از او نه تنها واجب نیست، بلکه جایز هم نمی‌باشد (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۷۵)

همچنین نقدهای وارد بر دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیز بر این دلیل وارد است؛ از سوی دیگر، اصل تدریجی بودن بیان احکام، لزوم دفع منکر را خدشه دار می‌سازد، زیرا چه بسا بیان برخی احکام به عصر حضور امام زمان علیه السلام موکول شده باشد.

از دیگر سوی، وجوب ارشاد جاهل در دو مقام قابل بررسی است؛ نخست: ارشاد جاهل نسبت به احکام کلیه الهیه؛ دوم: ارشاد جاهل در موضوعات خارجیه؛ ارشاد جاهل در موضوعات خارجیه واجب نیست؛ زیرا موضوع شناسی وظیفه خود مکلف است؛ اما درباره حکم ارشاد جاهل نسبت به احکام کلیه سه قول وجود دارد: وجوب مطلق ارشاد جاهل (الموسوی الخوئی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۰۱)؛ عدم وجوب مطلق ارشاد جاهل (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۷: ۲۱۸)؛ تفصیل بین موارد گوناگون (وجوب به شرط سؤال جاهل (عراقی، ۱۴۲۱: ۲۰۱)؛ وجوب در صورت رافع نبودن جهل نسبت به حکم واقعی و شرعی (الطباطبائی الیزدی، ۱۴۱۹، ج ۳۲۷: ۱)؛ وجوب در صورت عذر نبودن جهل (الحسینی السیستانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۳)؛ وجوب در صورت حجت بودن قول مُرشد بر جاهل (الطباطبایی الحکیم، ۱۳۹۱، ج ۱: ۷۶)؛ وجوب در صورت ایجاد انگیزه عقلی در جاهل،

به وسیله ارشاد^۱ (همان: ۷۵)؛ و جوب ارشاد به حکم واقعی در صورت عدم امکان ارشاد به «ما لا یقع معه فی مخالفه الواقع»^۲ (شب زنده دار، سایت مدرسه فقهی امام باقر (ع)، تقریرات ارشاد جاهل، دسترسی در: <https://fa.mfeb.ir/taqirir>، ۱۳۹۹/۱۱/۲۸)

بنابراین مجموعاً سه قول اساسی وجود دارد؛ وجوب بلاقید، عدم الوجوب بلاقید، وجوب مع التفصیل و حال که در مسئله نظریات مختلفی وجود دارد، استدلال به وجوب ارشاد جاهل به طور مطلق برای اثبات و استکشاف امضای سیره عقلا صحیح نیست.

از سوی دیگر، شاید علت عدم ردع معصوم عَلَيْهِ السَّلَام، از سیره عقلا، رعایت واجب اهم یا مساوی و یا احتمال ثبوت عنوان ثانوی برای عمل یا مصلحت تدریجی بودن بیان احکام باشد.

همچنین شارع مقدس با بیان ضوابط کلی و مناطات احکام شرعی، راه استنباط احکام را فراروی مجتهدان در عصر غیبت گشوده است؛^۳ از این رو، بدون نیاز به سیره عقلا، مجتهدان می‌توانند بر اساس اصول و ضوابط کلی ارائه شده از سوی شارع به تفریع پیرامون مسائل مستحدثه اهتمام ورزند.

تبيين و توضیح دلیل استحاله نقض غرض

شارع مقدس در جعل احکام شرعی و قوانین شریعت، دارای اهداف، اغراض و مقاصدی است؛ از این رو، بر وی واجب است اگر سیره عملی عقلا برخلاف اغراض وی باشد، از آن ردع و نهی نماید تا اغراض و مقاصد شریعت در معرض تهدید قرار نگیرد؛ زیرا سکوت شارع به معنای رضایت و تأیید او نسبت به سیره عقلا است و عدم ردع وی از سیره منکر و خلاف عقلا، ناقض اغراض و مقاصد وی است؛ در حالی که شارع مقدس حکیم است و حکیم هرگز نقض غرض نمی‌کند. از سوی دیگر به دلیل آن که اغراض و مقاصد شریعت از سعه و ضیق برخوردارند به همان میزان دایره دلیل امضا نیز مختلف خواهد شد و همیشه مطابق اغراض و مقاصد شریعت خواهد

۱. اگر جاهل، شاک در حکم مردّد باشد، قبل از آنکه کسی به او حکم واقعی را بگوید، داعی عقلی بر انجام دارد و گفتن ارشاد کننده تأثیری در ایجاد داعی عقلی ندارد و نمی‌تواند داعی جدیدی در او ایجاد کند. زیرا عقل به او می‌گوید شبهه حکمیه قبل از فحص است که احتیاط در آن لازم است و باید به دنبال تعلّم باشد و دیگر ارشاد چنین شخصی واجب نیست. اما اگر شخصی قطع به خلاف دارد دیگر داعی بر انجام ندارد و گفته ی ارشاد کننده می‌تواند در او داعی عقلی بر انجام ایجاد کند و ارشاد چنین شخصی واجب می‌شود.

۲. ارشاد جاهل به حکم واقعی در صورتی لازم است که نتوان جاهل را به احتیاطی که با آن مخالفت با واقع نمی‌کند، راهنمایی کرد.

۳. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: « عَلَيْنَا إِتْقَانُ الْأَصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۴۵).

بود (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۷)

اصل دلیل در قالب قیاس استثنایی به این شرح است:

مقدمه اول: اگر سیره عملی عقلا برخلاف اغراض وی باشد، از آن ردع و نهی می نماید تا نقض اغراض و مقاصد وی صورت نپذیرد.

مقدمه ثانی: لکن شارع نسبت به سیره عقلا ردع نفرموده است.

نتیجه: پس سیره عملی عقلا برخلاف اغراض شارع نیست.

شهید صدر درباره قاعده نقض غرض معتقد است که هرگاه غرض مولی - اعم از اغراض تکوینی و یا تشریحی وی - نزد مکلف مشتبه و مردد میان دو چیز باشد، در صورتی که مولی به هیچ وجه راضی به فوت غرضش نباشد، دایره محرکیت را توسعه داده، آن را وسیع تر از متعلق غرض واقعی می کند. بر این اساس مبادی خطاب ظاهری در متعلق خطاب، موسع نخواهد بود؛ چنان که در نفس جعل خطاب ظاهری نیز چنین نیست؛ بلکه همان مبادی خطاب واقعی، مبادی این خطاب ظاهری و موسع است (ر.ک. الهاشمی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۴۸۵) از سوی دیگر، خود اغراض و مقاصد شارع مقدس، دارای سعه و ضیق دانسته شده اند و برهان نقض غرض تنها اثبات کننده امضا در سیره های مخالف احتیاط دانسته شده است؛ زیرا در موارد موافق احتیاط، مکلف از ناحیه شارع، مطلق العنان است و با سکوت شارع، غرض ترخیصی وی نقض نمی شود (لجنة فقه المعاصر، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۷) در حالی که شهید صدر، خطاب شارع و دایره محرکیت آن را دارای سعه و ضیق دانسته است.

نقد و بررسی

اغراض و مقاصد شریعت از سعه و ضیق برخوردارند؛ بنابراین، ترخیص شارع در مخالفت در مواردی که غرضش مضیق باشد، نقض غرض محسوب نمی شود؛ زیرا اگر تکلیف معلوم به اجمال از جمیع جهات فعلی باشد، تکلیف منجز است و امکان ترخیص وجود ندارد؛ اما اگر تکلیف معلوم به اجمال از جمیع جهات فعلی نباشد، شارع می تواند ترخیص دهد و مخالفت قطعی با آن اشکالی ندارد؛ برای نمونه اگر شارع اراده نکرده که به هر طریقی تکلیف را به عبد برساند بلکه غرض او این است که اگر به صورت اتفاقی تکلیف به عبد رسید در حق او منجز باشد، در این صورت بر مولی واجب نیست موانع تنجز را برطرف کند و اشکالی ندارد که بر سر راه تنجز مانع ایجاد کند در نتیجه ترخیص مولی نقض غرض او نیست (ر.ک. اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۳۲)

از سوی دیگر، حکم شارع، مقید به ایجاد حالت انبعاث و انزجار در مکلفین نیست، بلکه به طور مطلق حکم شارع، نافذ است؛ حتی در صورتی که سبب پیدایش حالت انبعاث و انزجار در مکلفین نشود و این امر سبب نقض غرض شارع حکیم نمی‌گردد؛ از این رو، این دلیل سبب استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب پیش گفته مشخص شد که دلایل چهارگانه مذکور، با مناقشات فراوانی در مسیر استکشاف امضای شارع نسبت به حجیت سیره عقلا برخوردار است؛ زیرا دلیل وجوب ارشاد جاهل و تبلیغ شریعت نسبت به نسل‌های آینده نیز نمی‌تواند دلیل کاشف از امضای شارع نسبت به سیره عقلا باشد؛ چرا که شارع مقدس با بیان ضوابط کلی و مناطات احکام شرعی، راه استنباط احکام را فراوی مجتهدان در عصر غیبت گشوده است؛ از این رو، بدون نیاز به سیره عقلا، مجتهدان می‌توانند بر اساس اصول و ضوابط کلی ارائه شده از سوی شارع به تفریع پیرامون مسائل مستحدثه اهتمام ورزند.

همچنین با توجه با حاکمیت سلاطین جور اموی و عباسی و شرایط زمانی و مکانی معصومان علیهم‌السلام و ضرورت تقیه تا جایی که تقیه، دین امام معصوم علیه‌السلام و دین پدران بزرگوار ایشان علیهم‌السلام معرفی شده است و نیز ضرورت حفظ دماء شیعیان و اصل نزول تدریجی احکام از جمله دلایلی هستند که دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر و نیز وجوب دفع منکر نسبت به نسل‌های آینده را با خدشه مواجه می‌سازد.

دلیل استحاله نقض غرض بدین بیان که غرض شارع حکیم، عمل به احکام و پیدایش حالت انبعاث و انزجار در مکلفین است و عدم ردع وی به دلیل استحاله نقض غرض، کاشف از امضای سیره عقلا است، نیز تمام نیست؛ چرا که حکم شارع، مقید به ایجاد حالت انبعاث و انزجار در مکلفین نیست، بلکه به طور مطلق حکم شارع، نافذ است؛ حتی در صورتی که سبب پیدایش حالت انبعاث و انزجار در مکلفین نشود و این امر سبب نقض غرض شارع حکیم نمی‌گردد؛ از این رو، این دلیل نیز سبب استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا نمی‌شود. پس در مجموع این دلایل یارای اثبات استکشاف امضای شارع نسبت به سیره عقلا را ندارد.

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

١. اصفهانی، محمد حسین (١٣٧٤)، نه‌ایة الدراية فی شرح الکفاية (طبع قدیم)، قم، موسسه سید الشهداء علیہ السلام.
٢. الانصاری، الشیخ مرتضی (١٤١١) فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
٣. الانصاری، الشیخ مرتضی (١٤١٥) کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
٤. برقی، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١) المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.
٥. بهایی جبعی العاملی، محمد حسین (١٤٢٣)، زبدة الاصول، قم، مرصاد.
٦. بهبهانی، محمد بن باقر (١٤١٥)، الفوائد الحائریة، قم، دارالفکر.
٧. الحسینی السیستانی، سیدعلی (١٤١٥) تعلیقة علی العروة الوثقی، قم، مکتب آیة‌الله العظمی السید السیستانی.
٨. حکیم، سید محمد تقی (١٤٢٧) الاصول العامه للفقہ المقارن، تهران، المجمع الجہانی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة.
٩. حلّی، ابومنصور جمال الدین بن یوسف بن مطهر (١٤٠٤) مبادئ الوصول الی علم الاصول، تحقیق عبدالحسین محمد علی البقال، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
١٠. حلّی، محقق حلّی، جعفر بن حسن (١٤٠٣) معارج الاصول، اعداد محمد حسین الرضوی، قم، موسسة آل البيت لاحیاء التراث (ع).
١١. خراسانی، محمد کاظم (١٤٠٩) کفاية الاصول، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، چاپ اول.
١٢. السمعانی التیمی، ابومظفر منصور بن محمد (١٤١٨) قواعد الادله فی اصول، محقق محمد حسن اسماعیل شافعی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
١٣. شب زنده‌دار، مهدی. سایت مدرسه فقهی امام باقر (ع)، تقریرات ارشاد جاهل، دسترسی در: <https://fa.mfeb.ir/taqir>، ١٣٩٩/١١/٢٨.
١٤. صدر، سید محمد باقر (١٤٠٦) دروس فی علم الاصول، بیروت، دارالکتب اللبنانی مکتبه المدرسة.
١٥. طباطبایی قمی، تقی (١٤٢٦) منهاج الصالحین، قم، قلم الشرق.
١٦. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا) حاشیة الکفاية، قم، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
١٧. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم (١٤١٩) العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشّی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
١٨. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم (١٤٢١) حاشیة المکاسب، قم، اسماعیلیان.
١٩. الطباطبائی الحکیم، سید محسن (١٣٩١) مستمسک العروة الوثقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

٢٠. عراقى، آقا ضياء الدين (١٤٢١) كتاب القضاء (تقريرات، للنجم آبادى)، مقرر: ميرزا ابوالفضل نجم آبادى، قم، انتشارات مؤسسه معارف اسلامى امام رضا (عليه السلام).
٢١. لجنة فقه المعاصر (١٣٩٩) الفائق فى الاصول، قم، مركز مديريت حوزههاى علميه، چاپ سوم.
٢٢. مظفر، محمدرضا (١٣٨٥) اصول فقه، قم، انتشارات دارالفكر.
٢٣. الموسوى الخمينى، السيد روح الله (١٣٧٨) المكاسب المحرمة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره).
٢٤. الموسوى الخمينى، السيد روح الله (١٣٨٩) تحرير الوسيله، قم، دار العلم.
٢٥. الموسوي الخوئي، السيد ابوالقاسم (١٤١٧) مصباح الفقاهه، مقرر: محمدعلي التوحيدى التبريزى، قم، مؤسسه انصاريان.
٢٦. نائينى، محمدحسين (١٤٢٩) فوائد الاصول، قم، مؤسسه النشر الإسلامى، چاپ نهم.
٢٧. الهاشمى، السيد محمود (١٤١٧)، بحوث فى علم الاصول، قم، مؤسسه دائرة المعارف الاسلاميه طبقاً لمذهب اهل البيت عليهم السلام.